فاطمیّه

نوروز

در محاق

نثر ، نظم

حجة الاسلام والمسلمین استاد علی اکبر مهدی پور

به کوشش : علیرضا مهر پرور

بسم الله الرحمن الرحیم

نوروز در محاق فاطمیه

نویسنده:

علی اکبر مهدی پور

ناشر چاپی:

علیرضا مهرپرور

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

نوروز در محاق فاطمیه

مشخصات کتاب

سرشناسه:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان،۱۳۹۱
عنوان و نام پدیدآور: نوروز در محاق فاطمیه / نویسنده : حجه السلام والمسلمین استاد علی اکبر مهدی پور به کوشش : علیرضا مهرپرور.
مشخصات نشر دیجیتالی:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه ، رایانه و کتاب
موضوع: فاطمیه – شعر

اهداء

به پیشگاه با عظمت چهارده نورمقدس

علیهم السلام

و نیز تمامی مدافعین حریم ولایت و امامت به ویژه دو بزرگمرد علم ، تقوا، فضیلت واخلاق حضـرت آیت الله آقای حاج سید احمد فقیه امامی (ره) و حضـرت آیت الله آقای حاج سید حسن فقیه امامی (ره)

مقدمه

بِسْمِ اللّه الرحمن الرحیم

نحمدک اللّهم و نصلی علی رسول الله و اله المعصومین و لعنه الله علی اعدائهم اجمعین.

خداوند متعال در سوره شوری آیه ۲۳ فرموده است:

قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّهَٔ فِی الْقُرْبی

(بگو: از شما [در برابرابلاغ رسالتم] هیچ پاداشی جز مودّت نزدیکانم را [که بنا بر روایات معتبر اهلبیت عَلَیْهِمُ السَّلَام هستند] نمی‌خواهم.) همچنین در سوره سبأ آیه ۴۷ می‌فرماید:

قُلْ ما سَأَلْتُکُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَکُمْ إِنْ أَجْرِیَ إِلَّا عَلَی اللَّهِ وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ شَهِیدٌ

(بگو: هر گونه پاداشی که از شما خواستم، آن پاداش برای خودتان، پاداش من فقط بر عهده خداست و او بر همه چیز گوا هست). بنا بر این پاداش رسالت نبی مکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم با مودّت نزدیکان آن حضرت ادا شدنی است، این مودّت شامل معرفت، مَحبَّت و اطاعت می‌شود. همانطور که می‌دانیم هیچ کس به وجود مقدس و نازنین پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم نزدیکتر از حضرت فاطمه زهرا سَلَامُ اللهِ عَلَیهَا نمی‌باشد و از طرفی دشمنان نور و هدایت با تهاجم فرهنگی شبانه روز در شبکه‌های مختلف وهابی مسلک و با ترفندهای مرموزانه و حیله گری‌های عوام‌فریبانه و با انتشار کتابها و جزوات مختلف از جمله کتاب افسانه شهادت، سعی وافر در انکار شهادت و مظلومیت صدیقه کبری حضرت فاطمه زهرا سَلَامُ اللهِ عَلَیهَا دارند، بنا بر این در ایام فاطمیه سالهای ۹۲ و ۹۳ و ۹۴ که مصادف با نوروز باستانی می‌باشد. مسؤولیت ما دو چندان خواهد بود. همانگونه که ده سال قبل ماه محرم و نوروز مقارن گردید و هموطنانمان احترام نمودند حتی اقلیتهای مذهبی با اظهار بیانیه همدردی خود را با شیعیان ابراز نمودند. این

بار نیز شایسته است عموم شیفتگان و علاقه‌مندان به خاندان عصمت و طهارت عَلَیْهِمُ السَّلَام به ویژه پیروان آن بزرگواران حرمت فاطمی را در این تقارن مقدم بدارند امید است در این امر مقدس هیئات مذهبی و مداحان اهل بیت عَلَیْهِمُ السَّلَام بیش از پیش اهتمام ورزند. باشد که از این رهگذر اطاعت خداوند و اداء بخشی از حقوق پیامبر اعظم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم شده باشد و نیز نقشه‌های دشمنان تشیع را نقش بر آب نماییم. از حضرت باری تعالی توفیق عزیزان را آرزومندم.

اسفند ماه ۱۳۹۱

علیرضا مهر پرور

نوروز در محاق فاطمیه

واژگان:

اشاره

۱) نوروز ۲) محاق ۳) فاطمیّه

نوروز

اشاره

نوروز به معنای «روز نو» به روز اول فروردین، همزمان با رسیدن آفتاب به نقطه اول برج حَمَل گویند.

در عهد ساسانیان جشن نوروز با گردش سال تغییر می‌کرد.

در ادوار مختلف با انگیزه‌های مختلف جشن نوروز را به تأخیر می‌انداختند همانگونه که در عهد جاهلی ماه‌های حرام را تغییر می‌دادند و قرآن کریم از آن به عنوان: «نَسیء» یاد کرده است (۱)، جشن نوروز نیز تا اول خردادماه (۶۰ روز) به تأخیر می‌افتاد. (۲)

در حدود سال ۳۹۲ ق. نوبت جشن نوروزی به اول حمل رسید.

به سال ۴۶۷ ق. تقویم جلالی نهاده شد و بر اساس آن موقع جشن نوروزی در بهار هر سال مقارن تحویل آفتاب به برج حمل تثبیت شد. (۳)

راز قداست نوروز

در کتب حدیثی، سیره، تاریخ و تراجم علل فراوانی برای قداست روز نوروز بیان شده که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. خلقت جهان در روز نوروز (۴)

۲. خلقت حضرت آدم در آن روز (۵)

۳. خلقت فرشتگان در آن (۶)

۴. خلقت خورشید (۷)

۵. دحوالارض و گسترش کره زمین (۸)

۶. آغاز زمان (۹)

۷. روز عهد و میثاق در عالم ذر (۱۰)

۸. تجدید آیین یکتا پرستی توسط جمشید (۱۱)

۹. شکستن بت‌ها توسط قهرمان توحید (۱۲)

۱۰. بالا رفتن مولای متقیان بر دوش خاتم پیامبران برای شکستن بت‌ها (۱۳)

انطباق نوروز بر غدیر خم

مهم‌ترین رمز قداست نوروز، تقارن آن با روز غدیر خم می‌باشد. در میان اعیاد اسلامی هیچ عیدی به عید غدیر خم نمی‌رسد، چنانکه در احادیث فراوان بر آن تأکید شده است. (۱۴)

علامه مجلسی از شهید اول نقل می‌کند که ایشان بدون واسطه از علامه سید مرتضی بهاء الدین علی بن عبد الحمید نسّابه روایت کرده، با سلسله اسنادش از: «مُعَلّی بن خُنَیس» از امام جعفر صادق عَلَیْهِ السَّلَام که فرمود:

روز نوروز همان روزیست که در آن پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم روز غدیر خم برای امیرمؤمنان عَلَیْهِ السَّلَام پیمان گرفت و همگان بر ولایت او اقرار نمودند. (۱۵)

آنگاه تعدادی از رخدادهای روز نوروز را می‌شمارند و در پایان می‌فرمایند:

نوروز روزیست که در آن قائم ما اهلبیت قیام می‌کند و بر دجّال پیروز می‌شود و او را در کُنَاسَهٔ کوفه به دار می‌زند.

هیچ روز نوروزی نیست جز این که ما در آن فرج را متوقع هستیم، زیرا که آن از ایام ما هست، فارس‌ها آن را نگه داشتند و شما آن را ضایع کردید. (۱۶)

تطبیق عید غدیر بر عید نوروز یکی از معجزات علمی ائمه عَلَیْهِمُ السَّلَام می‌باشد. در زمان ما با وجود نرم افزارها به راحتی قابل اثبات است، اگر روز هجدهم ذیحجه الحرام سال دهم هجری را به نرم افزارها – مثلاً نرم‌افزار السیره النّبویه – بدهید، روز اول فروردین در می‌آید.

این مطلب را علامه مجلسی بیش از سه قرن پیش با تلاش فراوان اثبات کرده، پس از ۵۳ صفحه تحقیق در ذیل حدیث شریف فرموده:

ورود خورشید به برج حمل در سال دهم هجری با روز ۱۹ ذیحجه الحرام منطبق بود، ولی چون هلال ذیحجه در شب ۳۰ ذیعقده دیده نشد، اول فروردین با روز ۱۸ ذیحجه منطبق شد. (۱۷)

بررسی سند حدیث

پس از اثبات انطباق غدیر خم با روز نوروز، هیچ نیازی به بررسی سندی حدیث نیست، ولی چون برخی در مورد «معلّی بن خُنَیْس» توقّف کرده‌اند، توضیح می‌دهیم که:

اولاً: او در سلسله اسناد کامِل الزِّیَارات قرار گرفته. (۱۸)

ثانیاً: وی در سلسله اسناد تفسیر قمی قرار گرفته. (۱۹)

ثالثاً: شیخ طوسی او را از سفرای ممدوح شمرده است. (۲۰)

رابعاً: پس از شهادت او امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام فرمود:

به خدا سوگند او داخل بهشت شد. (۲۱)

آیت الله خویی در مورد این روایت فرموده که: سند روایت صحیح است. (۲۲)

خامساً: پس از شهادت وی، امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام تا صبح مشغول راز و نیاز بود و برای قاتلش (داود بن علی) از خدا طلب مرگ

می کرد.

امام عَلَیْهِ السَّلَام در سجده بود که از خانه داود بن علی صدای شیون برخاست و معلوم شد که به هلاکت رسیده است. (۲۳)

آیت الله خویی فرموده: این روایت نیز صحیح است. (۲۴)

سادساً: امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام در حق وی طلب مغفرت کرده فرموده:

«رحم الله المعلّی» (۲۵)

آیت الله خویی فرموده: این حدیث نیز صحیح است. (۲۶)

پس از اثبات اعتبار حدیث معلی ثابت می‌شود که عید نوروز همان عید غدیر شمسیست، که همان روز نصب مولای متقیان به امامت، روز اکمال دین و اتمام نعمت است و اعمال فراوانی از معصومین عَلَیْهِمُ السَّلَام برای آن رسیده است.

در مقابل نقلی هست که آن را ابْنِ شَهْرِ آشوب به تعبیر: «حکایت شده» آورده، که در آن آمده است.

این یک آیین فارس‌ها می‌باشد و اسلام آن را محو نمود. (۲۷)

علامه مجلسی در نقد این نقل فرموده:

این نقل با روایات معلّی منافات دارد، روایات معلّی سندش قوی‌تر و در میان اصحاب از شهرت بیشتری برخوردار است. (۲۸)

سپس فرموده: ممکن است آن را حمل بر تقیه کنیم و یا بگوییم آن «نوروز» که مورد نظر منصور دوانیقی بود و می‌خواست آن را جشن بگیرد

نوروز دیگری بوده، چنانکه اشاره نمودیم که همواره در مورد تعیین روز نوروز اختلاف بود. (۲۹)

در اثبات اعتبار حدیث معلّی همین بس که فقهای شیعه در طول قرون و اعصار به استحباب غسل، نماز و روزه در روز عید نوروز به استناد روایت معلّی فتوا داده‌اند.

حضرت حجت الاسلام و المسلمین سید محمد علی میلانی، فرزند برومند مرجع والای جهان تشیّع، مرحوم آیت الله حاج سید محمد هادی میلانی، در کتاب «نوروز» بالغ بر یکصد تن از فقهای شیعه را از عصر شیخ طوسی تا عصر حاضر نام برده، که در طول هزار سال بر اساس حدیث معلّی فتوا به استحباب داده‌اند و گروهی از آنها تصریح کرده‌اند که این فتوا را به استناد حدیث معلّی داده‌اند. (۳۰)

محاق

«محق» در لغت به معنای نقصان است. (۳۱)

چیزی که خیر و برکتش از بین برود، به آن محاق می گویند. (۳۲)

دو سه شب آخر ماه قمری، که ماه دیده نمی‌شود، محاق نامیده می‌شود. (۳۳) شب اول ماه قمری که ماه به صورت هلال دیده می‌شود، آن را هلال گویند، به تدریج بر حجم آن افزوده می‌شود، به صورت نیم دایره در می‌آید و تربیع نامیده می‌شود، چون به صورت دایره کامل دیده می‌شود، به آن بدر گویند.

پس از شب چهارده به تدریج نقصان پیدا می کند و به صورت نیم دایره در آمده، باز هم تربیع (تربیع دوّم) نامیده می‌شود، سپس رو به نقصان می‌رود، دو یا سه شب ماه دیده نمی‌شود، گویند که ماه در محاق است، یعنی کاملًا محو و ناپدید شده است.

در شبهای محاق، ماه در میان زمین و خورشید قرار می گیرد، نیمی از آن که به سوی زمین است، نمی‌تواند از خورشید نور اخذ کند، در نتیجه تاریک و غیر قابل رؤیت می‌باشد. (۳۴)

فاطمیّه

منسوب به حضرت فاطمه زهرا سَلَامُ اللهِ عَلَیهَا:

دهه میانی جمادی الاولی و دهه اول جمادی الثانیه را دهه فاطمیه گویند. مشهور در تاریخ شهادت حضرت فاطمه عَلَيْهاالسَّلَام آن است که پس از شهادت پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم ۷۵ روز در این دنیا ماند و آن گاه به شهادت رسید. (۳۵)

حضرت موسی بن جعفر عَلَيْهِ السَّلَام در این رابطه فرمود:

اِنَّ فاطِمَةَ صِدّیقَةٌ شَهیدَةٌ؛

حضرتفاطمه عَلَيْهاالسَّلَام معصوم و شهید بود. (۳۶)

سالار شهیدان در این زمینه فرمود:

هنگامی که حضرت فاطمه عَلَيْهاالسَّلَام در گذشت، امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام او را شبانه و مخفیانه به خاک سپرد و علامت قبر شریفش را محو کرد. (۳۷)

بخاری با سند صحیح از عایشه روایت کرده که گفت:

فاطمه دختر پیامبر، پس از وفات پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم، میراث خودش را از ترکه پیامبر، از آنچه خداوند به عنوان «فَیْء» برای او قرار داده و سهم خودش را از ما ترک پیامبر از خیبر و فدک و صدقات آن حضرت در مدینه مطالبه کرد، ابوبکر گفت: پیامبر فرمود:

ما ارث نمی‌گذاریم، آنچه از ما بماند صدقه است.

پس فاطمه دختر پیامبر خشمگین شد و از ابوبکر قهر کرد و تا زنده بود با وی قهر بود. (۳۸)

در حدیث دیگری به همین مضمون می‌افزاید:

هنگامی که حضرت فاطمه وفات کرد، همسرش علی عَلَيْهِ السَّلَام او را شبانه به خاک سپرد و بر پیکرش نماز خواند و به ابوبکر اطلاع نداد. (۳۹)

بر اساس روایت کلینی تاریخ شهادتحضرت فاطمه عَلَيْهاالسَّلَام روز سیزدهم جمادی الاولی خواهد بود.

ما نمی‌دانیم که در سال یازدهم هجری – سال شهادت پیامبر اکرم – آیا ماه صفر، ماه ربیع الاول و ماه ربیع الثانی آیا هر سه سی تمام بود، یا هر سه ۲۹ روز بود، یا برخی سی تمام و برخی دیگر ۲۹ روز بود؟

از این رهگذر دو روز پیش از سیزدهم جمادی الاولی و دو روز بعد از سیزدهم را به سوگ می‌نشینیم و عملًا ایام شهادت آن حضرت از یازدهم تا پانزدهم جمادی الاولی محسوب می‌شود.

قول دیگر آن است که حضرت فاطمه ۹۵ روز بعد از پیامبر به شهادت رسید. (۴۰)

بر این اساس شهادت آن حضرت روز سوم جمادی الثانیه خواهد بود. (۴۱) در این فرض نیز نمی‌دانیم که آیا ماه صفر، ربیع الاول، ربیع الثانی و جمادی الاولی در آن سال سی تمام، یا ۲۹ روز و یا برخی ۳۰ و برخی دیگر ۲۹ روز بوده است؟

از این رهگذر ایام شهادت آن حضرت از اول تا پنجم جمادی الثانیه خواهد بود. شیعیان شیفته و عاشقان دلباخته اهلبیت عَلَيْهِمُ السَّلَام یک دهه در فاطمیه اول و یک دهه در فاطمیه دوم به عزاداری می‌پردازند.

نوروز در محاق

اگر در هر ماه قمری سه شب ماه در محاق می‌باشد، در پایان امسال نوروز به مدت سه سال در محاق می‌باشد.

زیرا نوروز سال ۱۳۹۲ با دهه میانی جمادی الاولی (فاطمیه اوَّل) و نوروز ۱۳۹۳ در میان دو دهه فاطمِی و نوروز ۱۳۹۴ با دهه اول

جمادی الثانیه (فاطمیه دوّم) مصادف می‌باشد.

همانگونه که در بخش آغازین این نوشتار یادآور شدیم، عید نوروز فقط یک عید ملی نیست، بلکه بیش از آن که ملی باشد، عید مذهبیست. زیرا نوروز سال دهم هجری دقیقًا مصادف با هجدهم ذیحجه الحرام بود، در نتیجه نوروز همان غدیر شمسی می‌باشد و برای ما بسیار مقدس می‌باشد.

جز این که ماه‌های قمری نسبت به ماه‌های شمسی هر سال در حدود ۱۱ روز تغییر می‌یابد، گاهی نوروز با ماه محرم و صفر و گاهی با ایام فاطمیه مصادف می‌شود که در این صورت نوروز در محاق قرار می‌گیرد.

امسال عید نوروز با ایام فاطمیه مصادف است، سال آینده در میان دو ایام فاطمِی و سال بعد با ایام فاطمیه دوم، در نتیجه:

«ما سه سال عید نداریم»

یک درس آموزنده

یکی از خاطرات جالب و شیرین، که با گذشت بیش از ۳۰ سال هنوز هم برایم جالب است و امیدوارم برای خوانندگان نیز جالب و آموزنده باشد، خاطره‌ایست مربوط به یک مسلمان سیاه پوست آمریکایی.

غالب شیعیان با نام بوکس زن معروف آمریکایی «محمد علی کِلِی» آشنا هستند.

او پس از تشرف به اسلام و آیین تشیع نام «محمد علی» را برای خود برگزید. در آن روزگاری که مسابقات او در صدر اخبار بین المللی جای داشت یکی از شرکت‌ها از ایشان برای انجام مسابقه‌ای برای شش ماه بعد دعوت می‌کند، قرار داد امضاء می‌شود، مهمان‌ها دعوت می‌شوند، سالن برگزاری مسابقه اجاره می‌شود، دو ماه از این قرار داد می‌گذرد، وی برای تنظیم برنامه‌ای به سررسید خود مراجعه می‌کند و متوجه می‌شود که روز مسابقه با روز عاشورا مصادف است. به شرکت برگزار کننده مسابقه تلفن می‌کند و می‌گوید:

من در آن روز از مسابقه معذور هستم، باید چند روز جلوتر یا عقب‌تر انجام شود. طرف قرارداد می‌گوید به هیچ وجه امکان پذیر نیست، ما سالن کرایه کردیم، هتل رزرو کردیم، بلیط هواپیما برای مدعوّین گرفتیم و هرگز نمی‌توانیم آن را تغییر بدهیم. «کِلِی» می‌گوید:

آن روز مصادف با روزیست که هم کیشان من در آن روز مراسم عزاداری دارند، اگر من آن روز مسابقه بدهم شماری از شیعیان به جای عزاداری در خانه نشسته، مسابقه مرا تماشا خواهند کرد و من در محضر سالار شهیدان شرمنده خواهم بود. سر انجام میزان خسارت آن شرکت را بر آورد می‌کنند، آقای «کلی» دو میلیون دلار به عنوان خسارت به آن شرکت می‌پردازد و تاریخ مسابقه را تغییر می‌دهند.

«کلی» مسلمان جغرافیایی نبود، او پس از تحقیق به حقّانیّت اسلام و تشیّع پی برده بود، از آیین اجدادی خود دست کشیده، به شرف اسلام و تشیّع مشرّف شده بود، از این رهگذر برای مراسم عزاداری سالار شهیدان چنین بها می‌داد و برای این که شماری از شیعیان را با تماشای بازی خود، از شرکت در عزاداری مانع نشود، مبلغ دو میلیون دلار خسارت پرداخت.

امیدواریم ارباب رسانه از این تازه مسلمان آمریکایی پند بگیرند، همراه و همگام با امت شریف ایران در ایام نوروز امسال و دو سال بعد، به احترام حضرت صدیقه طاهره از پخش برنامه‌های شاد خود داری نموده، در سوک شفیعه امت به سوک بنشینند، موجبات رضایت و خشنودی یوسف زهرا را فراهم نمایند.

حرمت فاطمی

بر احدی از دوستان اهلبیت عصمت و طهارت پوشیده نیست که حفظ حرمت حضرت فاطمه زهرا سَلَامُ اللهِ عَلَیهَا بر همگان لازم و ضروریست.

رسول اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم می‌فرماید:

اِنَّ لِلّهِ عَزَّوَجَلَّ ثَلاثُ حُرُماتٍ، فَمَنْ حَفِظَهُنَّ حَفِظَ اَللهُ دینَهُ وَ دُنْیاهُ وَ مَنْ لَمْ یَحْفَظْهُنَّ لَمْ یَحْفَظِ اَللهُ دُنْیاهُ وَ لا آخِرَتَهُ.

قُلْتُ: وَ ما هُنَّ؟ قالَ: حُرْمَةُ الْاِسْلامِ وَ حُرْمَتی وَ حُرْمَةُ رَحِمی؛

برای خداوند متعال سه حرمت است، هر کس آنها را رعایت کند، خداوند از دین و دنیای او حراست می‌کند و هر کس آنها را رعایت نکند، خداوند از دنیا و آخرت او حفاظت نمی‌کند.

راوی پرسید: آن حرمت‌ها کدامند؟

فرمود:

۱) حرمت اسلام؛

۲) حرمت من؛

۳) حرمت خویشاوندان من (۴۲)

همه‌ی خویشاوندان پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم از کوثر جاری رسالت، قله‌ی هرم عصمت، سر سلسله‌ی خاندان عصمت و طهارت سرچشمه می گیرند. رعایت حرمت فاطمی، رعایت حرمت خدا و رسول خدا و آیین خدا می‌باشد.

امام باقر عَلَیْهِ السَّلَام در مقام بیان جایگاه رفیع حضرت زهرا عَلَیْهاالسَّلَام فرمود:

وَ لَقَدْ کانَتْ مَفْرُوضَةَ الطّاعَةِ عَلی جَمیعِ مَنْ خَلَقَ اللهُ، مِنَ الْجِنِ وَ الْاِنْسِ وَ اَلْطِّیْرِ وَ الْوَحْشِ وَ اَلْاَنْبِیاءِ وَ اَلْمَلائِکَةِ؛

حضرت فاطمه عَلَیْهاالسَّلَام بر همه‌ی مخلوقات خداوند، از پریان، آدمیان، پرندگان، درندگان، پیامبران و فرشتگان واجب الاطاعه می‌باشد. (۴۳)

از این رهگذر حفظ حریم صدیقه‌ی طاهره، برای اولین و آخرین، حتی پیامبران پیشین از حضرت آدم تا حضرت خاتم الانبیا عَلَیْهِمُ السَّلَام لازم و ضروری بود، چنانکه رئیس مذهب امام جعفر صادق عَلَیْهِ السَّلَام فرمود:

وَ هِیَ الصِدیقَةُ الْکُبْری وَ عَلی مَعْرِفَتِها دارَتِ الْقُرُونُ الْاُولی؛

او صدیقه کبریست و همه قرنهای اولیه بر محور معرفت او گردیده‌اند. (۴۴)

خاتم پیامبران یکی دیگر از جلوه‌های حرمت فاطمی را این گونه بیان می‌کند: چون روز قیامت فرارسد، منادی الهی از اعماق عرش خدا بانگ می‌زند:

یا أَهْلَ الْمَوْقَفِ! غُضُّوا أَبْصارَکُمْ وَ نَکِّسُوا رُؤُوسَکُمْ، لِتَجُوزَ فاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ عَلَی الصِّراطِ؛

هان ای اهل محشر! دیدگان خود را فرو بندید و سرهای خود را پایین بیندازید، تا حضرت فاطمه دختر حضرت محمد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم از صراط بگذرد. (۴۵)

این منتهای حرمت فاطمیست که به هنگام عبور آن حضرت از صراط، باید همه‌ی مخلوقات، همه‌ی انبیاو اولیاء و همه‌ی اولین و آخرین، دیده‌های خود را فرو بندند و سرهای خود را پایین بیندازند، تا ناموس کبریا، دختر خاتم الانبیاء و همسر خاتم اوصیاء از صراط عبور کند.

آنچه گفته شد مشتی از خروار، اندکی از بسیار و قطره‌ای از دریای بیکران حرمت حضرت فاطمه سَلَامُ اللهِ عَلَیهَا می‌باشد.

با این مقام شامخ و جایگاه بلند فاطمی، آیا ضرورت ندارد که شیعیان شیفته و ارادتمندان دلسوخته آن حضرت، در این سه سالی که ایام نوروز با ایام شهادت جانگداز آن حضرت مصادف شده، از هر گونه ابراز شادی و شادمانی پرهیز کنند و با حضور گرم

خود در مراسم عزای آن حضـرت، موجبات رضایت آن حضرت را فراهم نمایند، که رضایت آن حضرت، رضایت حضرت احدیت را در پی دارد. (۴۶)

حرمت حضـرت زهرا عَلَیْهاالسَّلَام تا آنجاست که هر وقت به محضـر پـدر بزرگوارش شـرفیاب می‌شـد، خاتم انبیاء دست دخترش را می گرفت، آن را می‌بوسید و او را در جای خود می‌نشاند. (۴۷)

اشرف کاینات در آخرین لحظه‌های خود خطاب به مولای متقیان فرمود:

یا عَلیُّ أَنْفِذْما أُمَرَتْک بِهِ فاطِمَهُٔ،

یا علی! آنچه فاطمه به تو امر کند، آن را انجام بده و در پایان وصیتهای خود فرمود:

وَ اعْلَمْ یا عَلِیُّ أَنی راضٍ عَمَّنْ رَضِیَتْ عَنْهُ إبْنَتی فاطِمَهُٔ وَ کَذلِک رَبّی وَ مَلائِکَتُهُ.

یا عَلِیُّ وَیْلٌ لِمَنْ ظَلَمَها وَ وَیْلٌ لِمَنْ إبْتَزَّها حَقَّها وَ وَیْلٌ لِمَنْ هَتَکَ حُرْمَتَها وَ وَیْلٌ لِمَنْ أَحْرَقَ بابَها؛

یا علی! بدان که من خشـنود هسـتم، از هر کسـی که دخترم فاطمه از او خشـنود باشد، پروردگار من و فرشـتگانش نیز از آن شخص خشنود می‌باشند.

یا علی! وای بر کسـی که به او سـتم کند، وای بر کسـی که حق او را پایمال کند، وای بر کسی که حرمت او را هتک کند و وای بر کسی که درِ خانه‌اش را آتش بزند. (۴۸)

علامـه بزرگوار، آیت الله سید باقر هنـدی، متوفای ۱۳۲۹ ق. در شب عیـد غـدیر در عـالم رویـا به محضـر مقـدس قطب عالم امکان حضرت بقیهٔ الله ارواحنا فداه شرفیاب شده، آن حضرت را غرق غم و اندوه مشاهده نموده، عرضه داشته:

مولای من! همه در شب عید سعید غدیر، شاداب و شادمان هستند، چرا شما را غمگین و اندوهناک می‌بینم؟!

حضرت فرمودند:

ذَکَرْتُ اُمّی وَ حُزْنَها؛

به یاد مادرم فاطمه و غم‌های آن حضرت افتادم.

سپس فرمود:

لا تَرانِی اتّخذتُ لا و علاها بعد بیتِ الاحزانِ بیت سرورٍ

نه، نه، سوگند به مقام والا و جایگاه بلند آن حضرت، هرگز پس از «بیت الاحزان» خانه‌ی شادی و سرور بر نخواهم گزید. (۴۹)

اگر آن پیشوای انس و جـان حتی در شب غـدیر، به یـاد مصـائب مـادر بزرگوارش محزون است، بر ما شـیعیان شـیفته و ارادتمنـدان دلباخته است

در ایام نوروز که مصادف با ایام شهادت آن حضرت می‌باشد، به یاد بیت الاحزان آن حضرت و به پیروی از فرزند دلبندش حضرت بقیه الله ارواحنا فـداه، از هر گونه جشن و سـرور پرهیز کننـد و از خداونـد منّان بخواهند که با تعجیل در امر فرج آن حضـرت سـفره بشارت ظهور را در گستره جهان هستی بگستراند، انشاء الله.

علی اکبر مهدی پور

[اشعار]

آب حیات (برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف)

آمد بهار و بی گل رویت بهار نیست

باد صبا مباد چه پیغام یار نیست
بی روی گلعذار مخوانم به لاله‌زار
بی گل نوای بلبل و شور هزار نیست
بی سر و قد یار چه حاجت به جویبار
ما را سرشک دیده کم از جویبار نیست
ای سرو معتدل که به میزان عدل و داد
سروی به اعتدال تو در روزگار نیست
ای نخل طور نور که در عرصه ظهور
جز شعله رخ تو نمایان زنار نیست
مصباح بزم انس به مشکاه قرب قدس
حقّا که جز تجلّی حُسن نگار نیست
ای قبله عقول که اهل عقول را
جز کعبه تو ملتزم و مستجار نیست
جز نام دلربای تو از شرق تا به غرب
زینت‌فزای دفتر لیل و نهار نیست
در صفحه صحیفه هستی به راستی
جز خط و خال حسن تو را اعتبار نیست
ای صبح روشن از افق معدلت در آی
ما را زیاده طاقت این شام تار نیست
ما را ز قلزم فتن آخر الزمان
جز ساحل عنایت و لطفت کنار نیست
در کام دوستان تو ای خضر رهنما
آب حیات جز ز لبت خوشگوار نیست
غیر از طواف کوی تو ای کعبه مراد
هیچ آرزو در این دل امیدوار نیست
آیه الله العظمی اصفهانی (کمپانی)

هیجده خزان

مرا به خانه زهرای مهربان ببرید
به خاک بوسی آن قبر بی‌نشان ببرید
اگر نشانی شهر مدینه را بلدید
کبوتر دل ما را به آشیان ببرید
کجاست، آن درِ آتش گرفته، تا که مرا

برای جامه دریدن به سوی آن ببرید

مرا اگر شدم از دست برنگردانید

به روی دست بگیرید و بی‌امان ببرید

کجاست آن جگر شَرحه شَرحه، تا که مرا

کنار سنگ مزارش کشان کشان ببرید

نه اشتیاق به گل دارم و نه میل بهار

مرا به غربت آن هیجده خزان ببرید

کسی صدای مرا در زمین نمی‌شنود

فرشته‌ها، سخنم را به آسمان ببرید

(افشین علا)

اشک زمزم

دلا بنال که غم با نشاط توأم شد

عزای حضرت زهرا و عید با هم شد

نوای شادی اهل ولا در این نوروز

ز داغ دخت پیمبر بَدَل به ماتم شد

ز سوگ حضرت صدیقه کار ما این عید

کشیدن از دل خود آه و خوردن غم شد

ز داغ فاطمه نوروز شیعیان علی

در این بهار، غم‌انگیز چون مُحّرم شد

فغان که دامن دلهای زار غمزدگان

در این مصیبت عظمی ز اشک چون یم شد

گریست ساقی کوثر ز داغ همسر خویش

روان ز دیده او اشک همچو زمزم شد

نخواست شادی نوروز را چو (ناظر) دید

نشاط عید و غم آن شهیده توأم شد

سید محمود مرتضوی نائینی (ناظر)

خزان در بهاران

تضمین غزل اشک زمزم ناظر نائینی

دوباره دیده‌ام از اشک رشک زمزم شد

دوباره سوختن در مرا مجّسم شد

دوباره خاک عزا بر سر دو عالم شد

«دلا بنال که غم با نشاط توام شد»
«عزای حضرت زهرا و عید با هم شد»
شدیم با غم و درد آشنا در این نوروز
و گشته‌ایم به غم مبتلا در این نوروز
به جای عیش عزا شد به پا در این نوروز
«نوای شادی اهل ولا در این نوروز»
«ز داغ دخت پیمبر بَدَل به ماتم شد»
چه گویم از چه علی و لی ز غصه خمید
چه گویم این که به زهرا ز دشمنان چه رسید
برای شیعه چه نوروزی و چه عید سعید
«ز سوگ حضرت صدیقه کار ما این عید»
«کشیدن از دل خود آه و خوردن غم شد»
برفت مهر درخشان آسمان علی
برفت از غم زهرا ز تن توان علی
گداخت آتش این داغ جسم و جان علی
«ز داغ فاطمه نوروز شیعیان علی»
«در این بهار، غم‌انگیز چون محرّم شد»
ز دست داد علی ولی چو یاور خویش
به خاک تیره نهان کرد تا که گوهر خویش
ندید همسر خود را چو در برابر خویش
«گریست ساقی کوثر ز داغ همسر خویش»
«روان ز دیده او اشک همچو زمزم شد»
فغان و آه خزان شد بهار غمزدگان
که گشت تیره چو شب روزگار غمزدگان
نبود و نیست به جز گریه کار غمزدگان
«فغان که دامن دلهای زار غمزدگان»
«در این مصیبت عظمی ز اشک چون یم شد»
ز سوز سینه در این غم چو (بزرگر) نالید
به گریه گفت در این سال نیست عید، سعید
برای شیعه مولا علی نباشد عید
«نخواست شادی نوروز را چو ناظر دید»
«نشاط عید و غم آن شهیده توام شد
علی وحید دستگردی (بزرگر)

مه در محاق (ترجیع بند)

بند اول

مه در محاق رفت و دل آسمان گرفت
خورشید تیره گشت و زمین و زمان گرفت
ناموس حق چو گشت شهید از جفای خصم
دربارگاه قدس دل عرشیان گرفت
برقی زد و ز ترکش پیر فلک جهید
تیر غمی که سینه ما را نشان گرفت
دانی چه شد چرا که به هم ریخت روزگار
دانی چرا ز غم دل صاحب زمان گرفت
دانی چه سوگواری و اندوه و ماتمی
شور و نشاط و سرخوشی شیعیان گرفت
ز آن لطمه‌ای که بر رخ خیر النساء زدند
آتش ز غصه بر جگر مرتضی زدند

بند دوم

عیدی برای مردم صاحب عزا نماند
جز خون دل به ساغر اهل ولا نماند
از آتشی که بر در بیت الشرف زدند
جز اشک غم به دیده خونبار ما نماند
از ضرب در چو پهلوی زهرا شکسته شد
بر شیعیان به غیر غم و ابتلا نماند
از آتشی که کرد بپا غاصب فدک
غیر از نفاق و کینه نشانی بجا نماند
زان لطمه‌ای که بر رخ خیر النساء زدند
آتش ز غصه بر جگر مرتضی زدند

بند سوم

جن و ملک ز ماتم زهرا گریستند
کر و بیان عالم بالا گریستند
از خنجری که دشمن حق زد به نخل دین
یاران زخم خورده چو مولا گریستند

وقتی خبر رسید که محسن شهید شد

زین درد و داغ اهل تولا گریستند

آتش ز داغ بر دل اهل ولا فتاد

تا اهل بیت زین غم عظما گریستند

زان لطمه‌ای که بر رخ خیر النساء زدند

آتش ز غصه بر جگر مرتضی زدند

سّید محّمد حسن صفوی پور

(قیصر اصفهانی)

طایر قدسی

هر بهاری که خزان غارت گلها می‌کرد

ناله از سوز جگر بلبل شیدا می‌کرد

این حکایت به مثل گفتم و دیدم که درست

با دل زار علی رابطه پیدا می‌کرد

همسرش فاطمه آن نوگل بوستان رسول

کز حیا فخر به صد مریم عذرا می‌کرد

شد چنان عرصه بر او تنگ که از شدت درد

مرگ خود ز خداوند تقاضا می‌کرد

بود در بستر بیماری و با حال نژند

بهر دیدار علی دیده ز هم وا می‌کرد

اشک در دیده او آینه بندان می‌گشت

وَندَر آن آینه صد گونه تماشا می‌کرد

در هیاهوی ستم از نفس افتاد دریغ

آنکه خود با نفسش کار مسیحا می‌کرد

جرمش این بود بهین دخت رسول مدنی

که حمایت ز علی همسر و مولا می‌کرد

کنج بیت الحزن از فرقت مادر همه شب

تا سحر زینب غمدیده خدایا می‌کرد

آنچه با قلب علی کرد ندانم به خدا

ناله‌هایی که اثر در دل خارا می‌کرد

یاد می‌آمدش از رنگ کبود گل یاس

هر زمانی که نظر بر رخ زهرا می‌کرد

علی آن دفتر پر خاطره فاطمه را

با نم اشک ورق می‌زد و امضاء می کرد
خاک شد مدفن آن طایر قدسی که مدام
سیر در کنگره عرش معلا می کرد
وای (قیصر) اگرش بغض گلو گیر نبود
دامن از اشک در این واقعه دریا می کرد
سید محمد حسن صفوی پور
(قیصر اصفهانی)

شبنم غم

غزل مرثیه در مثنوی
بر عذار سبزه و گل گردی از ماتم نشست
شد پریشان باغ و بلبل زین الم در غم نشست
خون به جای اشک می‌بارد ز چشم آسمان
لاله‌آسا از تب غم داغ دارد بوستان
شعله جای نور از خورشید می‌ریزد به خاک
غنچه از تاب و تب حسرت گریبان کرده چاک
تا صبا بر چهره‌ی گل گرد ماتم ریخته
روح سر سبز بهاران را به غم آمیخته
شد ز سوگ حضرت زهرا جهان ماتم‌سرا
شد بهار آفرینش در تب غم مبتلا
زین مصیبت آمد ابر آسمانها در خروش
شد چمن از شبنم غم در سحر آیینه پوش
شد نه تنها چرخ گریان در رثای فاطمه
هر افق دریای خون شد در عزای فاطمه
مرتضی تنها نشد از این مصیبت داغدار
خلق عالم سوگوارند از برای فاطمه
اشک غم از دیده جاری کرد با حالی نزار
هر مصیبت دیده‌ی ی درد آشنای فاطمه
راضیه مرضیه بر او صادق آمد از خدا
چون رضای دوست آمد در رضای فاطمه
اسوه‌ی عصمت به نسوان باشد او در هر زمان
مرحبا بر جان پاک با صفای فاطمه
آسمان بگشای راهی بر روان عاشقم

تا به حق ملحق شود بی‌پرده جان عاشقم

اشک غم شد مانع تحریر من بی‌اختیار

زین مصیبت دیگر از کف داده‌ام صبر و قرار

چون ندارم قدرت تفسیر کامل در بیان

می سپارم شرح آن را بر (مراد) عاشقان

شادروان حسن کاظمی مرادی (مراد)

این شاعر گرامی بعد از سرودن این شعر در آستانه اربعین سید مظلومان حضرت ابا عبد الله الحسین عَلَيْهِ السَّلَام سال ۱۴۳۴ قمری مطابق با دیماه ۱۳۹۱ شمسی آسمان راه بر روان عاشق او گشود و جان به جانان تسلیم نمود، علو درجات آن فقید سعید را از درگاه حضرت احدیت مسألت می‌نماییم.

شور عاشورا

به غم توأم بود امسال نوروز

دچار غم بود امسال نوروز

قرین با فرودین شد فاطمیّه

مه ماتم بود امسال نوروز

سراغ از عید یا شادی نگیرید

به غم مدغم بود امسال نوروز

به جای حرف شادی در مجالس

سخن از غم بود امسال نوروز

زمین در ناله باشد زین مصیبت

زمان مبهم بود امسال نوروز

چگونه گل به خنده وا کند لب

که ماتم بود امسال نوروز

ز چشم آسمان خون گر ببارد

مسلّم کم بود امسال نوروز

تو گویی شور عاشورای دیگر

در این عالم بود امسال نوروز

به ماتمخانه زهرا دو چشمم

قرین یم بود امسال نوروز

فدک، آتش، شکستن، درد پهلو

همه با هم بود امسال نوروز

علی گریان زهرا هست و جبریل

به او همدم بود امسال نوروز

مرا (قادر) به مولا عهد و پیمان

بسی محکم بود امسال نوروز

من از زهرایم و زهرا شعارم

همینم دم بود امسال نوروز

قاسم قادری زفره‌ای (قادر)

چشم خونبار بهار

نوروز ما مثل شب تار است یاران

چشم بهار از گریه خونبار است یاران

جایی که اشک مرتضی از دیده جاریست

گل هم به پیش چشم ما خار است یاران

تبریک در ماه غم زهرا حرام است

مهدی از این تبریک بیزار است یاران

بی معرفت باشم اگر تبریک گویم

وقتی که پیغمبر عزادار است یاران

تبریک چون گویم که دخت مصطفی را

خون جگر جاری به رخسار است یاران

راه گلستان را به روی خود ببندید

زهرا میان درب و دیوار است یاران

زهراست ما را مادر و باید بدانیم

مادر به ما، در حشر غمخوار است یاران

بلبل شده در بوستان همناله با گل

زیرا که در گلزار، گلزارست یاران

ما چون خریدار غم زهرا نباشیم

زهرا غم ما را خریدار است یاران

روزی که از فرزند مادر می گریزد

زهرا برای دوستان یار است یاران

دریایی از خون جاری از چشمِ تَر ماست

نوروز نه، روز عزای مادر ماست

غلامرضا سازگار (میثم)

سکوت تلخ

دوباره موسم نوروز و ماه ماتم شد

مه شهادت دخت رسول خاتم شد

خزان گلشن پیغمبر خدا برسید

اگر چه باغ و چمن در بهار خرّم شد

فراز خانه‌ی خود بیرق عزا بزنید

چه جای عید که هنگام غصه و غم شد

به جای تهنیت عید تسلیت گویید

برای امت ما گوییا مُحرّم شد

به تن لباس عزا جای رخت نو پوشید

زنید ناله که ایّام حزن و ماتم شد

پس از رسول خدا گریه کار زهرا بود

برای فاطمه اسباب غم فراهم شد

زدند آتش کین بر درِ سرای علی

همین مقدمه‌ی کار ابن ملجم شد

اگر که آتش و مُسَمّار و تازیانه نبود

به سوز سینه‌ی زهرا بگو چه مرهم شد

ز بعد فاطمه مولا به کنج تنهایی

چنان گریست که باران گریه‌اش یم شد

برای ساقی کوثر علی در آن غوغا

سکوت تلخ بر احقاق حق مُقَدَّم شد

علی غریب چنان شد در آن غریبستان

که بهر راز دلش چاه آب مَحرم شد

(بقا) خموش که از این مصیبت عظمی

زمین شکسته دل و پشت آسمان خم شد

سید علی اصغر هاشمی (بقا)

نوروز غم‌افزا

غم‌فزا نوروز ما شد در عزای فاطمه

شیعیان هستند گریان از برای فاطمه

جشن عیدی نیست بر پا ای محبان علی

چون مصادف گشته نوروز و عزای فاطمه

محفل عیشی نمی‌گردد بپا امسال عید

چون که راضی نیست زین شادی خدای فاطمه

شیعیان را جامه نو نیست برتن روز عید

چون سیه پوشند از غم بچه‌های فاطمه
ای که می‌خواهی بیارایی سرای خویش را
کن به چشم دل نظر سوی سرای فاطمه
رسم دیدار بزرگان را چو می‌آری بجا
توأمانش ساز با ذکر رثای فاطمه
(ثابت نائینی) این اشعار غمگین را سرود
تا شود نوروز او غرق عزای فاطمه
مرتضی قلی اعرابی نائینی (ثابت)

تشییع یاس

آی مردم، عشق می‌دانید چیست
مرد راه عشق، می‌دانید کیست
آی مردم، مرد را معنا کنید
مرد صاحب درد را پیدا کنید
آی مردم، غم چه معنا می‌دهد
عشق در اینجا چه فتوا می‌دهد
غربت و غم چیست در فرهنگ درد؟
می نماید، از چه رو همرنگ درد؟
غربت و غم، گویی از یک مایه‌اند
آفتاب عشق را همسایه‌اند
غم اگر چون کوه شد، جایش کجاست
در کدامین سینه درد آشناست؟
گر چه می‌دانید از من بشنوید
پاسخی از لفظ روشن بشنوید
نی، غلط گفتم که لفظ اینجا کم است
پیش آن دریای معنا، یک نم است
لفظ اگر، دریاست، کم می‌آورد
عقل هم، کی ره به جایی می‌برد
حرف و گفت و صوت را برهم زنید
تا که بی این هر سه، زان غم دم زنید
عشق اگر یک دَم نهد پا در میان
سر افراز آیم، برون زین امتحان
باده نابم دهد مستم کند

نیست چون گشتم ز خود، هستم کند

تا در آن حال از غمش چون دم ز نم

می توانم، شعله در عالم زنم

کیست او، کاین روزها، دلخسته است؟

پسش زهرای دِلش، بنشسته است؟

کیست در آن خانه در سوخته؟

چشم در چشمان عشقش دوخته؟

اشک او آرام می‌آید فرود؟

کیست آن مرد غم آن تنها ترین؟

کیست او، کاین روزها در بستر است؟

و آن گلی کاین روزها می‌پژمُرَد؟

یا علی ما جمله محزون توایم

چشم را از اشک پر نم می کنیم

خیس می‌ریزد، بر آن روی کبود؟

از فراق یار خود شیداترین؟

پیکرش، مجروح دیوار و در است؟

بهر آن تنهاترین، غم می‌خورد؟

در جنون عشق، مجنون توایم

لختی از بار غمت کم می کنیم

از تو غفلت کردن از خود غافلیست

با غمت، سر بردن اما خوشدلیست

در غمت ما نو بهار گریه‌ایم

چشمه چشمه بی‌قرار گریه‌ایم

یا علی تا غربتت ما را ببر

تا به مظلومیتت ما را ببر

برق مهرت زد که خاکستر شدیم

زیر باران نگاهت‌تر شدیم

دل، ترا دادیم و غم صاحب شدیم

از رموز عشق، پر مطلب شدیم

از جنون آباد عشقت سر زدیم

سر برون از لاکِ بال و پر زدیم

شوق تو، در ما سلیمانی کند

روح ما را، عشق در مانی کند

در غمت ما را شریک خود بدان

در کنار بستر زهرا بمان

آمدیمت تا تسلایت دهیم

دل تسلا، بهر زهرایت دهیم

آمدیمت تا رواق خانه‌ات

با دلی در عاشقی، دیوانه‌ات

بغض داریم و شبیه دق شدیم

چون ترا، ما از ازل عاشق شدیم

سینه ما را در آنجا کاشتند

عشق، پاشیدند و غم برداشتند

با تو چون بودیم، بالایی شدیم

لافتی گفتیم و الّایی شدیم

پیش پایت چک چک اشک غمیم

زخم غربت داری و ما مرهمیم

در غم تو، عید را بگذاشتیم

بیرق سرخ و سیاه افراشتیم

ما که اَیْنَ الفاطمیّون توایم

عید را امسال دلخون توایم

سفره‌های هفت سین را تا زدیم

بر رسوم امسال پشت پا زدیم

یا علی ما عید را شیون کنیم

رخت ماتم جای شادی تن کنیم

عیش را در این عزا سر می‌بُریم

پای یاس خانه‌ات غم می‌خوریم

عید را امسال می‌جوشیم ما

جای شربت، بغض می‌نوشیم ما

نیست بر لبهای ما لبخند عیش

عید ما بوی مُحرّم می‌دهد

نیستیم امسال ما پابند عیش

قلب ما را یک نفر دم می‌دهد

هر طرف گلبانگ ماتم می‌زنیم

شهر را رنگ مُحرّم می‌زنیم

کوچه‌ها یکسر سیه پوشت شوند

بلبلانِ ناله همدوشت شوند
نسترن‌ها با تو شیون می‌کنند
خاک بر سر، سرو و سوسن می‌کنند
در غمت اسب عزا را زین کنیم
تکیه را با نوحه‌ها، آذین کنیم
ما به زیر با راین غم، تا شدیم
چون تو، بی‌زهرا، تک و تنها شدیم
در گلو، افغان ما گل می‌کند
بغض ما فریاد بلبل می‌کند
بر مسیح گریه‌های بی‌شمار
مریم دلهای ما شد باردار
یا علی، ما چون تو گرم ناله‌ایم
جانگداز هجر، هجده ساله‌ایم
سینه را رنگ شقایق می‌زنیم
سرخ می‌نالیم و هِق هِق می‌زنیم
غمگسار بی‌کسی‌های توایم
خون دل از دلواپسی‌های توایم
گوش ما را یا علی چون چاه گیر
با شکوه راز خود همراه گیر
یا علی با ما بگو اسرار را
ماجرای آن در و دیوار را
از چه میخ در حکایت می‌کند؟
از کدام آتش شکایت می‌کند؟
قامت خم گشته را تفسیر چیست؟
با طنابی بستن یک شیر چیست؟
ماجرای چادر خاکی بگو
زان قساوتها و هتاکی بگو
ماجرای نامه و رد فدک
کوچه و سیلی، لگد کوب و کتک
گر چه زین غمها، ز پا افتاده‌ایم
با تو در تشییع یاس آماده‌ایم
دوش می‌گیریم، نعش لاله را
می بریم از خانه، هجده ساله را

(محمد قدسی)

نو بهار غم

رسید عید و به جای نشاط آمد غم

عزا و عیش و در این نو بهار شد مدغم

به جای جامه نو شیعیان به بر کردند

در این طلیعه‌ی نوروز جامه‌ی ماتم

رسید همره ایّام فاطمیّه بهار

به چشم فاطمیون غم‌فزاست این موسم

تمام اهل ولا می‌کشند ناله ز دل

ز داغ نور دو چشم پیمبر خاتم

سزد که از ره اخلاص همچو ابر بهار

برای فاطمه گریند مردم عالم

بهار آمد (امینی) ولی نشد دل شاد

برای آنکه نشاط است با عزا توام

(اسدالله امینی)

تقویم عمر یاس

امشب ردیف شد غزلم با نمی‌شود

یا می‌شود تمام کنم یا نمی‌شود

عید است و در چمن خبری از نشاط نیست

یعنی بهار گل ز گلش وا نمی‌شود

عید است و ابرهای جهان گریه می‌کنند

عالم برای فاطمه پروانه می‌شود (*)

زخمیست داغ فاطمه بر سینه‌ی علی

زخمی که هیچ گاه مداوا نمی‌شود

تنها نه هستی علی از دست رفته است

هستی بدون فاطمه معنا نمی‌شود

لا خَیرَ بعدَ فاطمه هم بی‌حساب نیست

یعنی کسی برای تو زهرا نمی‌شود

تقویم عمر یاس تو هجده بهار داشت

این راز مبهمیست که افشا نمی‌شود

این گنج تا قیام قیامت نهفته است

این قبر گوهریست که پیدا نمی‌شود
باور کنید حکم گذرنامه بهشت
الا به دست فاطمه امضاء نمی‌شود
دوزخ کنار می‌کشد از نام پاك او
آتش حریف دختر طاها نمی‌شود
امیّدوار، روز قیامت به دست کیست
چشمی که در عزای تو دریا نمی‌شود
برگرد یاس پرپر گلخانه‌ی رسول
در سینه‌ی علی غم تو جا نمی‌شود
امشب سپیده سر زد و روشن نشد چراغ
از گوشه بقیع علی پا نمی‌شود
عباس شاهزیدی (خروش اصفهانی)
(*) قافیه آوایی

مرا با بهار کاری نیست

دل مرا ز غم ای شیعیان بهاری نیست
مرا ز غصه کنون با بهار کاری نیست
بپا شده است به عالم عزای دخت نبی
که شیعه را به دل از این عزا قراری نیست
شکستن در و آن حرمت حریم رسول
به یادم آمد و بر اشکم اختیاری نیست
همیشه در همه جا حضرت علی می‌گفت
مرا چو فاطمه یاری و غمگساری نیست
چو دیده‌ی حسنین و علی و زینب، آه
برای دخت نبی چشم اشکباری نیست
چگونه عید بگیرم کنون که چون مهدی
ز داغ فاطمه محزون و سوگواری نیست
لباس مشکی خود را به تن کن ای (راضی)
که از تو غیر عزا داری انتظاری نیست
محمد حسن زاده (راضی اصفهانی)

چگونه عید بگیرم

دلم گرفته خدایا، چگونه عید بگیرم؟

رسیده ماتم زهرا، چگونه عید بگیرم؟
به یاد ماتم مادر، شکسته شد دل مهدی
در این مصیبت عظمی، چگونه عید بگیرم؟
عزیز جان پیمبر، انیس و مونس حیدر
شدی فسرده ز غمها، چگونه عید بگیرم؟
زدند آتش کین بر در سرای تو دو نان
تو سوختی ز غم آنجا، چگونه عید بگیرم؟
شدی شهیده و بعد از تو دشمنان تو گفتند
علیست بی کس و تنها، چگونه عید بگیرم؟
حسن ز غصه پریشان، حسین غمزده گریان
به ناله زینب کبری، چگونه عید بگیرم؟
محمد حسن زاده (راضی اصفهانی)

یاس کبود

قطعه

در این بهار که با فاطمیّه گشته قرین
نسیم و سبزه و گل سوگوار فاطمه‌اند
فقط نه یاس لباس کبود کرده به تن
که لاله‌های جهان داغدار فاطمه‌اند
کبوتران حرم سر به زیر پر، خاموش
چو بلبلان چمن غمگسار فاطمه‌اند
به قطره قطره شبنم چو بنگری بینی
که شاخه شاخه‌ی گل اشکبار فاطمه‌اند
ز جان و دل همه‌ی شیعیان به شورو نوا
بیاد رنج و غم بی‌شمار فاطمه‌اند
(سخا) سعادت عالم نصیب آنهاییست
که عاشق علی و دو ستار فاطمه‌اند

در مدار چرخ

نوروز جم که باده به جام و سبوی ماست
بلبل به نغمه بر سر گل نوحه گر چراست
در چشم غنچه اشک و ز غم لاله سینه چاک
از سوز داغ ناله‌ی مولا که بی‌صداست

گر چه بهار فصل غدیر خم و جم است

اما خزان نور دل ختم انبیاست

زهرا شبی ز داغ پدر دیده بر نبست

حیران مدینه بار دگر در غم و عزاست

دست عدو گلی ز گلستان جان گرفت

در باغ دل عزای گل و غنچه‌اش به پاست

یکسو حسن به گریه و سوی دگر حسین

زینب به ناله همدم گلها و لاله هاست

توأم چو شد بهار و خزان در مدار چرخ

گویا محرّمی دگر و شام نینواست

چنگی دگر به چنگ و به دف پنجه‌ای مزن

جن و ملک به ماتم و عالم عزا سراست

(شائق) به جای جامه اطلس سیه بپوش

ایام فاطمیّه که صاحب عزا خداست

حسن احمدی (شائق)

کفو حیدر

عید نوروز آمد و دل ماتمی دیگر گرفت

ماتمی از بهر کفو حیدر صفدر گرفت

شد مقارن عید نوروز و عزای فاطمه

زین تقارن جامعه نیلی جهان در بر گرفت

گر چه دارد احترام این عید در نزد همه

باید اکنون ماتم فرزند پیغمبر گرفت

فاطمیّون را نباشد شادمانی این بهار

چون که داغ فاطمه آفاق سر تا سر گرفت

بر در بیت الشرف چون دشمنان آتش زدند

از شرار آن دل اهل ولا آذر گرفت

هم حسین و هم حسن گشتند گریان و پریش

دست چون دیدند بر پهلوی خود مادر گرفت

تهنیت نه، تسلیت گویید برهم شیعیان

ز آنکه عالم را غم صدیقه اطهر گرفت

گر چه (عبدی) عید نوروز است و وقت شادیست

این زمان باید عزای عصمت داور گرفت

نوروز علی عبد الهی رهنانی (عبدی)

تقارن فاطمیه و نوروز

شیعیان عید آمد و این عید توأم با عزاست

فاطمیه آمد و در هر کجا غوغا به پاست

از برای شیعیان امسال هرگز عید نیست

چون عزای دختر خیر البشر، خیر النساست

ای عزاداران عزای فاطمه بر پا کنید

مهدی صاحب زمان در این عزا صاحب عزاست

فاطمیه همزمان گردید با فصل بهار

جای تبریک و تحیّت تسلیت گفتن بجاست

جای رخت شادمانی رخت غم بر تن کنید

بزم شادی و طرب بر پا نمودن نابجاست

مادر سادات را کشتند از راه ستم

سر به سر عالم از این جور و جفا ماتم‌سراست

ای (فریور) هر کسی در راه حق کوشش کند

اجر و مزد او به روز حشر در نزد خداست

(محمد علی فریور)

نوروز در محاق

به پاس حرمت زهرا شما در این نوروز

کنید مجلس ماتم به پا در این نوروز

به محض پاس شعائر کنید از دل و جان

سخن ز عید و بهاران رها در این نوروز

به تن کنید و به گردن چو ما بیاویزید

لباس ماتم و شال عزا در این نوروز

سخن ز عشرت و شادی مگوی و محزون باش

برای حضرت خیر النسا در این نوروز

مگر که نیست مدینه ز داغ لاله غمین

گذر به دشت و دمن‌ها چرا در این نوروز؟

برای آن ستمی کز جفا به فاطمه شد

بنال تا که توانی دلا در این نوروز

ز شور ساز مخالف از آن حجازی‌ها

بدل به نغمه غم شد نوا در این نوروز

ببار ابر بهاران و سیل جاری کن

به سان دیده مولای ما در این نوروز

لب از طراوت و شادی ببند ای (آذین)

زبان واژه به مویه گشا در این نوروز

سید مرتضی منصوری (آذین اصفهانی)

رباعی

برای یوسف فاطمه

ای دوست رخ تو لاله‌زار است مرا

با باغ و گل و چمن چکار است مرا

گلچهره من نقاب بردار ز رخ

دیدار تو بهتر از بهار است مرا

رباعیات نوروز در محاق

تا داغ غمی...

تا داغ غمی سراغ دارد دل ما

کی حسرت سیر باغ دارد دل ما

گل می‌دمد از باغ و بهار است ولی

صد داغ بروی داغ دارد دل ما

(قیصر اصفهانی)

کنون که فصل...

کنون که فصل عزا هست و نیست دلها شاد

به پاس حرمت دخت رسول مهر و وداد

روی چو دیدن احباب ای برادر من

نگاه درا زبان و مگو مبارک باد

(قائمی زمان آبادی)

امسال بهار غرق...

امسال بهار غرق ماتم باشد

نوروز به فاطمیّه توأم باشد

کِی شاد دل شیعه شود از نوروز
وقتی که دل علی پر از غم باشد
(محمد علی فریور)

سرفصل بهار و...

سرفصل بهار و عید ما آمده است
لازم همه را عیش و صفا آمده است
اما ز غم شهادت فاطمه، دل
آشفته و مرثیه سرا آمده است
(ناظر نائینی) (ناظر)

سرفصل بهار روی...

سرفصل بهار روی گلگون داریم
لب تشنه عیشم و دلی خون داریم
الحال ز داغ فاطمه آه و فغان
ما غمزدگان فاطمیّون داریم
(ناظر نائینی)

تا خون جگر...

تا خون جگر به جام ما می‌باشد
شادی و طرب حرام ما می‌باشد
بر کام دل کسی نمی آید خوش
عیدی که مقارن عزا می‌باشد
(قیصر اصفهانی)

عید است و...

عید است و گل و بهار من پژمرده
در ماتم زهرای جوان افسرده
با وا شدن شکوفه‌های گل یاس
یاد آیدم از آن رخ سیلی خورده
(قیصر اصفهانی)

امسال بهار یاد...

امسال بهار یاد پاییز کنیم
خون گریه از این داغ غم‌انگیز کنیم
از شادی و تبریک به هم گفتن‌ها
شرط ادب اینست که پرهیز کنیم
(قیصر اصفهانی)

این مژده که...

این مژده که گل دهد بهار آمده است
شادی و طرب ز نو به بار آمده است
تأثیر به حال فاطمیون نکند
زیرا که قرین با غم یار آمده است
(قیصر اصفهانی)

ما دلشدگان حاجت...

ما دلشدگان حاجت تأیید نداریم
یک ذره در این مسأله تردید نداریم
با آن که شده فصل گل لاله ولیکن
از بهر غم یاس علی عید نداریم
(آذین اصفهانی)

[نوحه]

نوحه [۱]

عید ما امسال توأم با عزاست
فاطمیه موسم شور و نواست
جابه جای خطه ایران زمین
زین مصیبت خیمه ماتم به پاست
در عزای زهره زهرا بتول
هر کجا رو می‌کنی ماتم‌سراست
عید ما امسال توأم با عزاست
فاطمیه موسم شور و نواست

شیعیان رخت عزا در بر کنید

از سرشک دیده دامن‌تر کنید

پا به پای مهدی صاحب زمان

ناله‌ای جانکاه از دل سر کنید

بر عزاداران بود عشرت حرام

خون به جای باده در ساغر کنید

عید ما امسال توأم با عزاست

فاطمیه موسم شور و نواست

با عزا توأم شده نوروز ما

خیزد از دل ناله‌ی جانسوز ما

در غم زهرای اطهر این زمان

تیره همچون شام گشته روز ما

جای آن دارد که خاکستر شود

عالمی از آه عالم سوز ما

عید ما امسال توأم با عزاست

فاطمیه موسم شور و نواست

قیصر اصفهانی

نوحه [۲]

از عید و از بهار با ما سخن مگو

از باغ و لاله‌زار با ما سخن مگو

ای دل به سوگ او جز ناله سر مکن

جز درد و حال زار با ما سخن مگو

لبخند دلنشین، باشد حرام ما

در سوگ فاطمه خون شد به کام ما

تا فاطمیه با نوروز شد قرین

دلهای شیعیان از غصه شد حزین

بانگ عزا عزا آید به گوش جان

خیزد شرار غم از آه آتشین

لبخند دلنشین، باشد حرام ما

در سوگ فاطمه خون شد به کام ما

زد لشکر خزان راه بهار عشق

ماتم‌سرا شده شهر و دیار عشق

ای دیده گریه کن بر دشت لاله گون

ای ابر غم ببار خون بر مزار عشق

لبخند دلنشین، باشد حرام ما

در سوگ فاطمه خون شد به کام ما

چون شد که فر و دین گردیده غم‌فزا

چون شد که شهر ما گردیده غمسرا

هان فاطمیه است ای دیده خون ببار

هر کس حسینی است گرید در این عزا

لبخند دلنشین، باشد حرام ما

در سوگ فاطمه خون شد به کام ما

قیصر اصفهانی

نوحه [۳]

عید آمد و دلها پر از شور و نوا شد

توأم نوای شادی ما با عزا شد

ای وا مصیبت زهرای اطهر

گشته شهید از جور ستمگر

عید آمده است و شیعیان با دیده تَر

گشته عزادار از غم زهرای اطهر

زار و پریشان می‌زنند از غصه بر سر

در کوی و برزن محفل ماتم بپاشد

ای وا مصیبت زهرای اطهر

گشته شهید از جور ستمگر

شد فاطمیه همزمان با عید نوروز

سوزد دل اهل ولا زان داغ جانسوز

داد از جفای ملحدان آتش افروز

ز آنان به فرزند پیمبر این جفا شد

ای وا مصیبت زهرای اطهر

گشته شهید از جور ستمگر

عیدست و دل با ماتم و مِحَنت قرین است

هر دل در اینجا از غم زهرا حزین است

آری پیام شیعه بر عالم چنین است

گرید که مظلوم از جهان خیرالنساء شد

ای وا مصیبت زهرای اطهر
گشته شهید از جور ستمگر
از بهر زهرا شیعیان زاری نمایید
خون جگر در ماتمش جاری نمایید
از داغ جانسوزش عزاداری نمایید
زهرا شهید از کینه قوم دغا شد
ای وا مصیبت زهرای اطهر
گشته شهید از جور ستمگر
(ناظر نائینی)

سپاس

وظیفه‌مندم از حضرت حجت الاسلام و المسلمین جناب استاد علی اکبر مهدی پور به خاطر مقاله عالمانه‌ای که مرقوم فرمودند و همچنین از شاعران بزرگواری که ما را در این امر یاری نمودند تشکر و قدردانی نموده. توفیق، سلامت و سعادت همگان را از خداوند متعال مسألت می‌نمایم.
اصفهان
علیرضا مهر پرور

پی‌نوشت

(۱). سوره توبه، آیه ۳۷
(۲). بیرونی، الآثار الباقیهٔ، ص ۳۹
(۳). همان، ص ۲۶۷؛ دهخدا، لغتنامه، حرف ن، ص ۸۷۲
(۴). دهخدا، همان
(۵). شیرازی، فرهنگ جهانگیری، ج ۲، ص ۲۱۸
(۶). بیرونی، الآثار الباقیهٔ، ص ۲۶۵
(۷). همان
(۸). همان، ص ۲۷۳
(۹). همان، ص ۲۶۵
(۱۰). علامه مجلسی، بِحارالاَنْوار، ج ۵۹، ص ۱۱۹
(۱۱). بیرونی، همان، ص ۲۶۶
(۱۲). مجلسی، همان، ص ۱۲۰
(۱۳). همان
(۱۴). شیخ طوسی، مصباح المتهجّد، ص ۷۳۶
(۱۵). مجلسی، بِحارالاَنْوار، ج ۵۹، ص ۱۱۹

(۱۶). همان
(۱۷). همان، ص ۱۲۰
(۱۸). ابن قُولَوَیْه، کامِل الزِّیَارات، ص ۶۲، باب ۱۷، ح ۹
(۱۹). علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۲۲، ذیل آیه ۱۵۹ از سوره انعام
(۲۰). شیخ طوسی، کتاب الغیبهٔ، ص ۳۴۷
(۲۱). همو، اختیار معرفهٔ الرجال، ص ۳۷۷، ج ۷۰۷
(۲۲). آیت الله خویی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۸، ۲۳۹
(۲۳). کشی، ص ۳۷۸، ح ۷۰۸
(۲۴). خویی، همان.
(۲۵). کشی، ص ۳۸۰، ح ۷۱۲
(۲۶). خویی، همان، ص ۲۴۲
(۲۷). ابْنِ شَهْرِ آشوب، المناقب، ج ۴، ص ۳۴۴
(۲۸). مجلسی، بِحارالْاَنْوار، ج ۵۹، ص ۱۰۰
(۲۹). همان، ص ۱۰۱
(۳۰). میلانی، نوروز، ص ۳۶ – ۴۲
(۳۱). ابن فارس، معجم مقاییس اللغهٔ، ج ۵، ص ۳۰۱
(۳۲). خلیل، ترتیب کتاب العین، ص ۷۵۵
(۳۳). ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۳، ص ۳۸
(۳۴). محمد شفیق غربال، الموسوعهٔ العربیهٔ المیسرهٔ، ص ۱۳۴۹
(۳۵). کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۴۵۸
(۳۶). همان
(۳۷). همان
(۳۸). بخاری، صحیح بخاری، ج ۴، ص ۹۶
(۳۹). همان، ج ۵، ص ۱۷۷
(۴۰). خزّاز، کفایهٔ الأثر، ص ۶۵؛ دولابی، الذریهٔ الطاهرهٔ، ص ۱۵۲، ح ۱۹۹؛ طبری، إِعْلَامَ الْوَرَی، ج ۱، ص ۳۰۰
(۴۱). شیخ طوسی، مِصْبَاح الْمُتَهَجِّد، ص ۷۹۳؛ طبری، دلائل الامامهٔ، ص ۱۳۴، ح ۴۳؛ سید ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۳، ص ۱۶۱
(۴۲). ابن حَجَر، الصواعق المحرقهٔ، ص ۱۵۰
(۴۳). طبری امامی، دلائل الامامهٔ، ص ۱۰۶
(۴۴). شیخ طوسی، الْاَمَالِی، ص ۶۶۸، ح ۱۳۹۹
(۴۵). سبط ابن جوزی، تذکرهٔ الخواص، ج ۲، ص ۳۳۴
(۴۶). طبرانی، معجم کبیر، ج ۱، ص ۱۰۸
(۴۷). إِرْبِلِی، کَشْف الْغُمَّهٔ، ج ۱، ص ۴۵۳

(۴۸). علامه مجلسی، بِحارالْاَنْوار، ج ۲۲، ص ۴۸۵

(۴۹). سید عبدالرزاق مقرّم، وفاة فاطمة، ص ۹۷

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹